

هم‌زمان با فشار غرب برای تصویب قطعنامه جدید تهران توازن تعهدات ایران و مسؤولیت‌های آژانس را یادآوری کرد

هشدار هسته‌ای به آژانس

صفحه ۲

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ | ۳۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۹ سپتامبر ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۷۰۴ | صفحه ۱۰ | هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



نیروی دریایی سپاه یک شناور زیرسطحی هوشمند آمریکایی را به دام انداخت

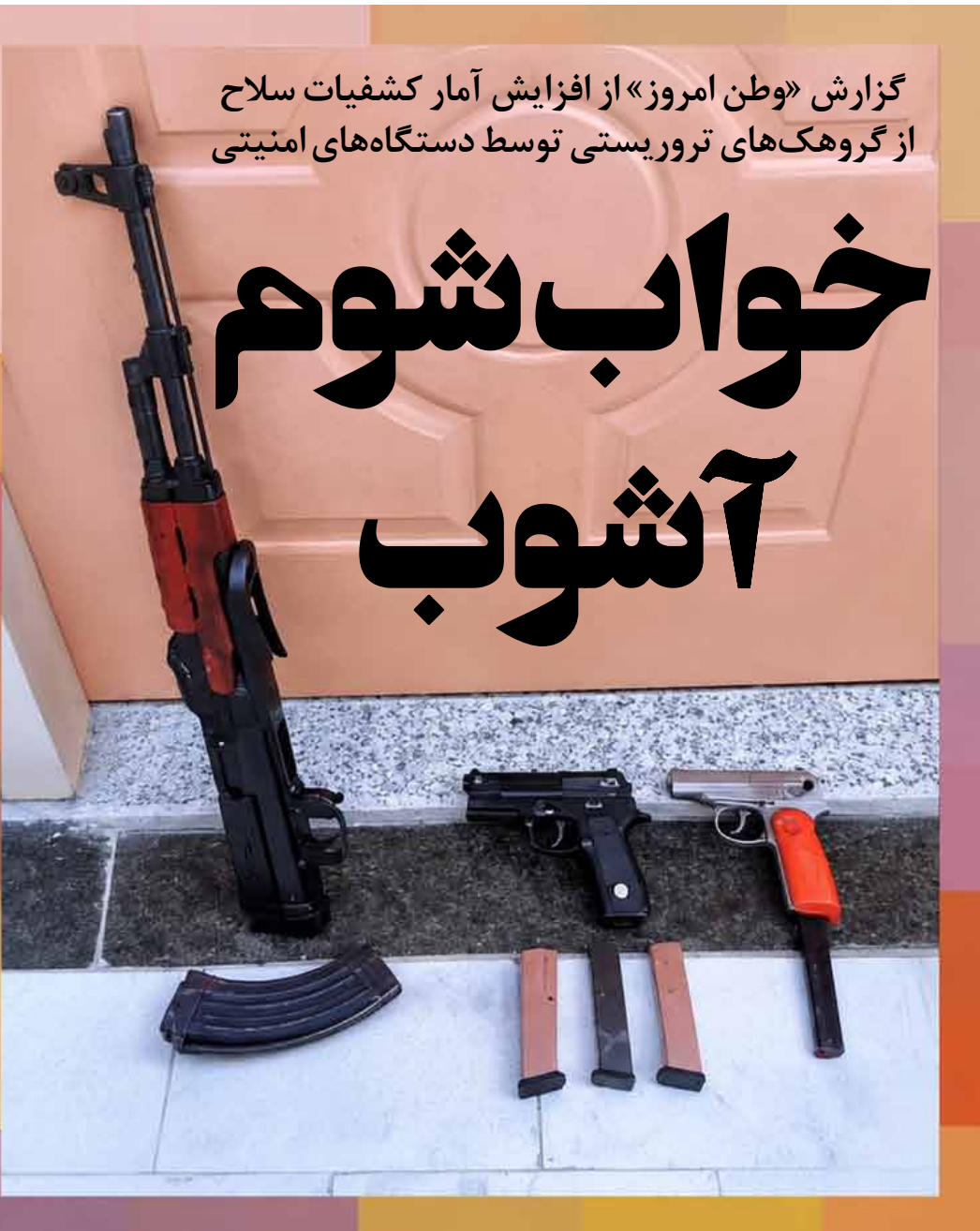
شکار بزرگ در هرمز

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4704 | WED.SEP.09,2026 | ISSN:2008-2886



صفحه ۲



گزارش «وطن امروز» از افزایش آمار کشفیات سلاح از گروهک‌های تروریستی توسط دستگاه‌های امنیتی

خواب‌شوم آشوب

تیتُرهای امروز



گزارش «وطن امروز» از افزایش قیمت جهانی سوخت هم‌زمان با تشدید تنش‌ها بین یمن و عربستان

نفت ۱۰۰ دلار

■ کاهش ۴.۷ درصدی تولید ناخالص داخلی سعودی

صفحه ۲

هشدار تحلیلگران آمریکایی به کاخ سفید

تراپ از بوش عبرت بگیرد

صفحه ۲

بر خلاف ادعای آمریکایی‌ها درباره توقف مبادلات تجاری به خاطر محاصره و تحریم، قطارهای باری و ترانزیتی با ظرفیت بیشتر از راه می‌رسند

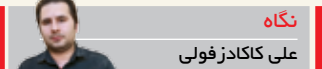
تجارت

روی ریل سرعت

صفحه ۴

چرا اراده ملت در پیچ و خم‌های بروکراسی گم می‌شود؟

همبستگی تا حکمرانی



نگاه

علی کلکاذر فولی

دیرزمانی است تحلیلگران سکولار و حتی برخی دلسوزان داخلی، ریشه مشکلات ایران را در انگاره‌هایی چون «زوال سرمایه اجتماعی» یا «فقدان همبستگی ملی» جست‌وجو می‌کنند اما نگاهی دقیق‌تر به صحنه واقعی حیات اجتماعی در ایران، باطل‌السحر این ادعاست. جامعه ایران، برخلاف مدل‌های غربی که بر فردگرایی‌آمیزه استوارند، سهمگین‌ترین بحران‌ها را با نوعی فراخوانی عمومی و خیزش غیرت جمعی پشت سر گذاشته است.

تجربه ۴ دهه گذشته جمهوری اسلامی نشان می‌دهد ظرفیت بسیج اجتماعی در جامعه ایران، یکی از واقعیت‌های پایدار حیات سیاسی و اجتماعی کشور است. مصادیق قبل از جنگ فراوانند و دقیقاً به همین خاطر از آنها چشم‌پوشی می‌شود اما در همین دوره جنگ ۱۲ روزه و جنگ جاری، نمونه‌هایی از این بسیج خودانگای اجتماعی مشاهده شد که در عالم سیاست نظیر نداشت. این دینی و امنیتی توان بالایی برای تولید همبستگی سریع و فراگیر دارد.

بنابراین برخلاف ساده‌اندیشان و متفکران ترجمه‌ای، مسأله اصلی جمهوری اسلامی در ۴ دهه گذشته، فقدان سرمایه اجتماعی یا ناتوانی جامعه در خلق همبستگی نبوده، بلکه مسأله بنیادین، اولا کشف آن و ثلثیا تبدیل این انرژی اجتماعی متراکم به سازوکارهای پایدار، نهادی و روزمره برای حل مسائل کشور است؛ یعنی عبور از بسیج لحظه‌ای در بحران به سازمان‌دهی دائم قدرت اجتماعی در حکمرانی. این مسأله را می‌توان ذیل رویکرد سیاست به مثابه معماری تبیین کرد.

جامعه منسجم، از دل سیاست منسجم متولد می‌شود. پس اگر گاهی همبستگی وجود دارد اما به همان میزان قدرت ملی تولید نمی‌شود، یعنی سازه سیاسی دچار گسیختگی در طراحی است. در این یادداشت، به تبیین این موضوع می‌پردازم؛ چگونه سیاست باید از تصدی‌گری اداری به معماری پیوندها تغییر ریل دهد تا اسجابه به معنای واقعی خود تحقق یابد.

■ چگونه می‌توان اراده مردم را به کانون قدرت متمثل کرد؟

در ادبیات مرسوم سیاسی، دولت را ابزاری برای توزیع منابع و اعمال قانون می‌بینند که یک نگاه تکنیکال و فاقد روح است اما در منطق مردم‌سالاری دینی، سیاست نوعی معماری است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ابوالفضل ولایتی

در حالی که تنها چند هفته به برگزاری ۲ انتخابات کلیدی کنگره و کنست در آمریکا و سرزمین اشغالی زمان مانده، بحران در غرب آسیا بیش از هر زمان شعله‌ورتر شده و سراسر منطقه را در بر گرفته است؛ ۲ انتخاباتی که نتایج آنها نقش مستقیم در کاهش یا افزایش تنش‌ها در منطقه ایفا خواهد کرد. در چنین بسترى و به موازات بی‌میلی ترامپ به تشدید تنش‌ها و تلاش برای بازنمایی جبهه جنگ علیه ایران به عنوان یک پیروزی و القای دستیابی به توافقی راهبردی در جبهه‌های لبنان، نوار غزه و سوریه، کابینه صهیونیستی به ریاست نتانیاهو به دلیل شکست راهبردی ناشی از طوفان‌الاقصى و ناتوانی در نابودی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران و عدم موفقیت در خلع سلاح حزب‌الله و حماس، تحت فشار شدید اپوزیسیون داخلی رژیم قرار گرفته و می‌کوشد با بحران‌زایی و خلق جبهه‌های جدید، مسیری برای دستاوردهای پیش از شروع انتخابات ایجاد کند. تشدید حملات صهیونیست‌ها به جبهه‌های غزه و جنوب لبنان، با وجود تهدد ظاهری تل‌آویو به مفاد توافق آتش‌بس، در همین چارچوب قابل ارزیابی است. نخست‌وزیر رژیم صهیونیست با آگاهی از موقعیت شکننده حزب لیکود و متحدانش در آستانه انتخابات تلاش می‌کند با دست‌نهادن بر موضوع امنیت و هشداردهی نسبت به پیامدهای پیروزی رقیب، بر میزان تنش‌ها در کرانه باختری، سوریه، جنوب لبنان و باریکه غزه بیفزاید. خط و نشان‌های وی برای جمهوری اسلامی و طرح ادعای ترس ایران از رویارویی مجدد با

رژیم صهیونیستی(۱) جملگی در مسیر تحریک تهران و با هدف راه‌اندازی کارزار نظامی جدید در منطقه است و عملاً منافع مقطعی وی و متحدانش را با حاکم بر منطقه، به‌ویژه پس از فضاسازی گسترده صهیونیست‌ها پیرامون تسلط بر ارتفاعات علی‌الظاهر، موجب شده ناظران منطقه به گمانه‌زنی پیرامون غلبه احتمالی نگرش صهیونیست‌ها بر هم‌تایان آمریکایی خود در مواجهه با پرونده‌های منطقه در هفته‌های آتی بپردازند. شدت‌گیری حملات در ۳ جبهه لبنان، کرانه باختری و غزه، همچنین نضج گرفتن تنش‌ها در یمن، گواه آن است رویارویی میان محور مقاومت و دشمن آمریکایی – صهیونی پس از مقطعی آرامش شکننده، وارد مرحله جدیدی از تنش‌ها شده؛ مقطعی که در صورت عدم واکاوی و برنامه‌ریزی پیرامون خنثی‌سازی توطئه‌های احتمالی می‌تواند تهران و متحدانش را مانند ۲ جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه، در جایگاه غافلگیری و پافاندی قرار دهد؛ فرآیندی که ممکن است پیامدهای خسارت‌باری را به جمهوری اسلامی و اضلاع مقاومت در منطقه تحمیل کند.

■ ضرورت عبور از دکترین چشم‌در برابر چشم و توسل به راهبرد اقدام پیش‌دستانه

حملات حساب‌شده جمهوری اسلامی در هدف‌گیری پایگاه‌های آمریکا و برخی مخازن گازی و نفتی شیخ‌نشین‌های منطقه در ابتدای جنگ رمضان و اسناد تنگه هرمز را می‌توان رویکردی کاملاً هوشمندانه در جنگ رمضان قلمداد کرد؛ سیاستی که ضمن بر زدن معادلات نزاع، نقشی بسزا در تمایل آمریکایی‌ها به تفاهم با تهران ایفا کرد. با این حال،

از غزه و لبنان تا یمن؛ چگونه تقویم انتخاباتی به متغیری تعیین‌کننده در معادلات امنیتی غرب آسیا تبدیل شده است؟

انتخابات روی خط آتش

برآیند تحرکات دشمن آمریکایی در منطقه در طول هفته‌های سپری‌شده، به‌ویژه پس از اعمال محاصره دریایی بر ایران و تشدید تحریم‌های اقتصادی به منظور آنچه «خفگی اقتصاد ایران» نامیده شده، در کنار آزادی عمل نسبی ارتش صهیونیستی در جبهه‌های شمال و جنوب فلسطین اشغالی، به‌روشنی از اقتضا و عدم کارآمدی رویکرد چشم‌در برابر چشم در مقطع کنونی حکایت دارد. عدم رویارویی نظامی آمریکایی‌ها با ایران و اکتفا به محاصره و فشارهای اقتصادی و واکنش نظامی آنان به هرگونه حملات موشکی یا پهپادی ایران به نفکش‌های خالی در طول روزهای اخیر، نشان‌دهنده تغییر توازن قوا میان طرفین در وضعیت «نه جنگ/نه صلح» کنونی است.

اهمیت مسأله مذکور از آن رو است که به موازات برگزاری انتخابات در آبان‌ماه، طرف آمریکایی محذورت‌های کنونی نظیر افزایش قیمت سوخت و تبعات منفی آن بر آرای رای‌دهندگان را نیز به کناری نهاده و با فراغ بال بیشتری در مسیر فشارهای چندجانبه و احتمالاً حملات مجدد علیه ایران گام بر خواهد داشت. همچنین قابل کتمان نیست به موازات بی‌میلی ترامپ به رویارویی مستقیم با ایران در هفته‌های پیش از انتخابات، دیپلمات‌های آمریکایی تحرکات فرآیندهای را در سطح منطقه جهت پیشبرد فشار مضاعف بر متحدان ایران داشته‌اند. تهدید مکرر دولت بغداد به اعمال تحریم‌های کمرشکن و ممانعت از انتقال اموال نقد تحت سیطره فدرال رزرو آمریکا به عراق و موکول کردن مناسبات اقتصادی حسنه با بغداد به خلع سلاح حشدالشعبی تا ضرب‌الاجل ۳۰ سپتامبر، در کنار حمایت تمام‌عیار از سعودی در مواجهه با

انصارالله و ترغیب تحریرالشم به افزایش آمادگی جهت مواجهه با حزب‌الله، از جمله سیاست‌هایی است که واشنگتن با جدیت در طول هفته‌های اخیر دنبال کرده؛ سیاست‌هایی که همسو با فشارهای شدید اقتصادی بر ایران، بر آن است پروسه تضعیف جمهوری اسلامی را در چند جبهه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هم‌زمان پیش برد. به زعم ناظران منطقه، به‌خلاف رویکرد محتاطانه کاخ سفید در مواجهه با تهران در مقطع پیش‌انتخابات، طرف صهیونیست عاُمده و به منظور حفظ لیکود در عرصه قدرت به تشدید تنش‌ها دامن زده است. رویکرد تهاجمی حساب‌شده صهیونیست‌ها ۲ سناریو را در ذهن آنان متصور کرده است. در صورت عدم واکنش حماس و حزب‌الله به حملات مذکور، تل‌آویو گام‌به‌گام بر دامنه فعالیت‌های نظامی خود افزوده و می‌کوشد دستاوردهای میدانی بیشتری را از آن خود کند. نگاهی به سال‌ها حکمرانی نتانیاهو نشان می‌دهد سکوت یا عقب‌نشینی در برابر رفتارهای تهاجمی ارتش صهیونی، نشانه ضعف جبهه مقابل ارزیابی شده و طرف اسرائیلی را به اتخاذ رویکردی تهاجمی‌تر ترغیب کرده و سوق خواهد داد. قابل تصور است دامنه این دست‌اندازی‌ها حتی به جبهه ایران نیز کشیده شود. پیش‌بینی اقدامات و خرابکاری‌های نظامی رژیم در پیش از جنگ ۱۲ روزه، نظیر حمله به اماکن دیپلماتیک ایران، ترور سیاستمداران و دانشمندان و خرابکاری در صنایع هسته‌ای و دفاعی و عدم واکنش در‌خور در آن مقاطع، این ذهنیت را در خصوص موفقیت حمله به ایران در ذهن آنان طراخی کرد. در سناریوی دوم، در صورت واکنش نظامی حماس و حزب‌الله نیز طرف صهیونیست با هدف امنیتی‌سازی

حملات اخیر انصارالله و واکنش عربستان، پرونده یمن را وارد هر مرحله‌ای تازه از بازدارندگی نامتقارن کرده است

شعله‌های در یای سرخ

جایی که سازمان ملل ۷ سپتامبر ۱۶ شهریور پیرامون شرایط یمن هشدارهایی را به صورت رسمی اعلام کرد در همین چارچوب، تازه‌ترین حملات به اهدافی در جنوب عربستان و تأسیسات انرژی آن کشور را باید مرحله‌ای تازه از بحران دانست. بر اساس گزارش رويترز، حملات به شهرهایی همچون ابها، جیزان، خمیس مشیط و نجران دست‌کم ۷۳ مروج بر جا گذاشت و به تأسیسات انرژی در هفته‌های بعد، درگیری از حالت «تنش کنترل‌شده» خارج شد. نیروهای انصارالله در جبهه‌های مأرب، تعز، ساحل غربی و اطراف خدیده فعال‌تر شدند و نیروهای وابسته به دولت عدن نیز با پشتیبانی و سازمان‌دهی بیشتر عربستان در حال بازآرایی نظامی بودند از اوایل سپتامبر، مرحله تازه‌ای آغاز شد. درگیری‌های زمینی در غرب یمن و اطراف تعز و ساحل دریای سرخ شدت گرفت و ده‌ها نفر در چند روز کشته شدند. گزارش‌های منتشرشده در روزهای اخیر از کشته شدن بیش از ۶۰ نفر در برخی از سنگین‌ترین درگیری‌های سال‌های اخیر حکایت دارد تا

■ جهان درباره یمن چه می‌گوید؟

نگاهی به تحلیل مراکز مطالعاتی و کارشناسان برجسته نشان می‌دهد تقریباً هیچ‌یک از تحلیل‌های

معتبر، تحولات اخیر را صرفاً در چارچوب مرزهای یمن توضیح نمی‌دهد. وجه مشترک بسیاری از این تحلیل‌ها، پیوند دادن جبهه یمن با رقابت ایران، عربستان، آمریکا و رژیم صهیونی، همچنین بحران امنیت دریای سرخ است. اندیشکده آمریکایی CSIS با رویکرد امنیت‌محور همیشگی خود این مسأله را تحلیل کرد. «مایکل راتنی» در تحلیلی، ورود جدی‌تر انصارالله به جنگ منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر توصیف کرده و معتقد است توانایی این گروه برای استفاده از موشک‌ها، پهپادها و فشار بر مسیرهای دریایی، آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تهران در معادلات منطقه تبدیل کرده است. از این منظر، انصارالله صرفاً یک بازیگر یمنی نیست، بلکه بخشی از معادله بازدارندگی منطقه‌ای ایران است. اما این تقصیر، اگر چه بخشی از واقعیت را توضیح می‌دهد، برای فهم رفتار انصارالله کافی نیست. حتی برخی پژوهشگران مرکز مطالعات صمعا که نگاه انتقادی‌تری نسبت به این جنبش دارند، بر انگیزه‌های مستقل و بومی انصارالله نیز



نیروی دریایی سپاه یک شناور زیرسطحی هوشمند آمریکایی را به دام انداخت



صفحه ۲

فضا در سرزمین اشغالی و رودن گوی سبقت از رقیب، بلافاصله توافقاتی آتش‌بس شکننده را کنار نهاده و در مسیر اشغال و انضمام نوار غزه و بسط دامنه منطقه حاصل در جنوب لبنان گام می‌گذارد و جنگ فراگیر دیگری را آغاز خواهد کرد؛ سیاستی که به زعم نتانیاهو، جدا از هزینه‌های بلندمدت، می‌تواند در کوتاهمدت فضای روانی جامعه صهیونیست را به سوی او متمایل کرده و رقبای راست‌گرا و میانه‌رو خود، از قبیل نفتالی بنت، آویگدور لیبرمن، یائیر لاپید و گادی ایزنکوت را به حاشیه براند.

■ چرا دکترین پیش‌دستانه باید در اولویت قرار گیرد؟ طرح موضوعات و چالش‌هایی که بدان پرداختیم، بیانگر آن است که ایده چشم‌در برابر چشم و واکنش در‌خور در برابر تحرکات احتمالی دشمن، دست‌کم در تداوم آن با مصلحت و منافع جمهوری اسلامی سازگار نیست. دشمن آمریکایی – صهیونی با تمرکز بر ۳ حوزه محاصره دریایی و احتمالاً زمینی، تلاش برای ایجاد بحران‌های اجتماعی و بسترسازی برای آشوب داخلی و نهایتاً تضعیف و ایزوله متحدان منطقه‌ای تهران، بر آن است مسیر را به سوی رویارویی نهایی در آینده نه‌چندان دور هموار کند. ضرورت دارد در مقطع کنونی، جمهوری اسلامی، پیش از به سرانجام رسیدن مقصود مطلوب آمریکا و صهیونیست‌ها از طریق اعمال محاصره همه‌جانبه و تضعیف نیروهای مقاومت، با اتکا به دکترین تهاجمی هم‌زمان در حال پیشبرد منافع خود در یمن و حمایت از الزاما یکی نیستند. به عبارت دیگر، صنعا ممکن است هم‌زمان در حال پیشبرد منافع خود در یمن و حمایت از راهبرد منطقه‌ای تهران باشد؛ وضعیتی که نشان می‌دهد تقلیل جنبش انصارالله به «نیروی نیابتی ایران» نمی‌تواند تمام واقعیت را توضیح دهد.

ادامه در صفحه ۴

تأکید کرده‌اند. «عبدالعزى الیرانى» معتقد است یکی از اهداف اصلی این جنبش در دور جدید تنش، تحت فشار قرار دادن عربستان برای بازگشت به نقشه راه سیاسی رژیم صهیونی، همچنین بحران امنیت دریای سرخ است. انصارالله در شمال یمن را تثبیت کند. از این منظر، اقدام نظامی الزاما مقدمه جنگ فراگیر نیست، بلکه می‌تواند ابزاری برای بازگرداندن مذاکره به نقطه‌ای مطلوب‌تر برای صنعا باشد. «میسا شجاع‌الدین» دیگر پژوهشگر مرکز مطالعات صنعا، تحلیلی پیچیده‌تر ارائه می‌کند. از نگاه او، اهداف داخلی انصارالله و اهداف منطقه‌ای ایران در مقطع کنونی تا حدی بر یکدیگر منطبق شده‌اند اما الزاما یکی نیستند. به عبارت دیگر، صنعا ممکن است هم‌زمان در حال پیشبرد منافع خود در یمن و حمایت از راهبرد منطقه‌ای تهران باشد؛ وضعیتی که نشان می‌دهد تقلیل جنبش انصارالله به «نیروی نیابتی ایران» نمی‌تواند تمام واقعیت را توضیح دهد.

ادامه در صفحه ۳